



پیشینه فراموش شده و اهمیت راهبردی طوفان الأقصى

شاهد یک دوره گذار در نظام بین الملل هستیم!

افریقا را میان خود تقسیم کنند. در این میان سهم آلمان دو منطقه بود که امروزه دو کشور نامیبیا و تانزانیا هستند. اما هدف غرب و عقول غربی از این تقسیم چه بود؟ چنان که خودشان تصریح کرده اند عبارت بود از «انجام اقدامی بشردوستانه و شرافتمندانه در راستای پیشرفت قاره آفریقا از طریق تأسیس سازمان های علمی، خیریه ها و سازمان های بشردوستانه». تا اینجا همه چیز بر سر جای خودش است و ظاهر این عبارات هم بسیار زیبا و همسو با ارزش های اروپایی، لیبرالیسم غربی، روشنگری و مدرنیسم است. آن زمان در

این دست دم می زد و می کوشید تا آن ها را به ارزش هایی معیار و فراگیر تبدیل کند. اما صدوپانزده سال پیش چه رخ داد که امروزه یکی از شخصیت های اصلی آلمان، کشوری که پروتستانتیسم از دل آن سر برآورد و یکی از پیشگامان نوسازی و روشنگری بود، از انجامش احساس سرشکستگی می کند و مجبور به عذرخواهی می شود؟
در سال ۱۸۸۵-۱۸۸۴ کنفرانس مهمی با عنوان «کنفرانس برلین» برای تقسیم آفریقا برگزار شد. افرادی دور میز نشستند، نقشه آفریقا را پیش روی خود گذاشتند و قلم به دست گرفتند تا قاره

نوشتار را با داستانی شروع می کنم...
چند روز پیش رئیس جمهور آلمان از دولت تانزانیا بابت جرایمی که آلمان در این کشور، آن هم صدوپانزده سال پیش، مرتکب شده بود عذرخواهی کرد. به نظر می رسد که این اتفاق می تواند چگونگی رفتار غرب با ما و دنیا، به ویژه در مسئله فلسطین، را به خوبی نشان دهد. آنچه درباره غرب می دانیم این است که از حدود سیصد سال پیش اروپا دوره روشنگری را از سر می گذراند و در این دوران از ارزش های نو مانند مالکیت خصوصی، دموکراسی، حقوق بشر، حقوق اقلیت ها و مفاهیمی از